



لذت موفقیت در کار تیمی

اولین موفقیتیم کلاس دوم در زمینه ی خوش نویسی بود. پس از آن کلاس سوم کسب رتبه ی سوم ناحیه در جشنواره ی «پژوهشگر امروز، دانشمند فردا» را تجربه کردم.

سپس با شرکت در مسابقات «شهر ریاضی» رتبه سوم تیمی استان و اول کشوری را به دست آوردم. در جشنواره ی «ستارگان مفتاح» شایسته ی تقدیر شناخته شدم و در ورزش، کمر بند سبز فدراسیون تکواندو را کسب کردم. وقتی در مسابقات «شهر ریاضی» اسم تیمم را به عنوان رتبه ی اول کشوری اعلام کردند خیلی خوشحال شدم و لذت موفقیت در کار تیمی خیلی بیشتر از موفقیت فردی به نظر آمد. پس از آن تصمیم گرفتم در هر مرحله از زندگی ام بهترین نسخه از تلاش و کشف استعداد خودم باشم.

یک حس خوب

شروع مسابقه ی «شهر ریاضی» در مدرسه بود. همه ی ما برای به چالش کشیدن خودمان به صورت تیمی در آن شرکت کردیم، یک حس خوب پراز بازی و هیجان در قالب ریاضی بود که به مراحل بالاتر هم صعود کردیم. به نظرم حل مسائل ریاضی و چالش های آن، حتی همین تکرار و تمرین های درس، می تواند ذهن انسان را بازتر و زمینه برای یادگیری دروس دیگر را فراهم کند. همچنین کمک خوبی است برای حل منطقی تر مسائل هر روز زندگی. اگر آموزش ریاضی به صورت بازی و فعالیت های گروهی همراه با هیجان باشد مطمئنم کمک فراوانی به یادگیری می کند و این علم را از قالب به ظاهر خشک در می آورد، در صورتی که درس بسیار شیرینی است.

اتاقی برای رسیدن به هدف

پدرم و معلمان عزیزم از سال اول دبستان تا کنون، خانم ها کرندی، اعلم، گوهری و اشرفی هستیم. هدفم این است که با توکل به خدا و با علاقه و تلاش بسیار زیاد بتوانم به مردم عزیز میهنم به عنوان یک پزشک ماهر یا یک استاد دانشگاه که علاقه ی بسیاری به آموزش دادن دارد، خدمت کنم. از همه ی دوستانم هم می خواهم خودشان را باور داشته باشند و همه ی تلاش و کوششان را برای رسیدن به اهداف و خواسته هایشان به کار ببرند، یقین دارم آن ها و تمامی کودکان سرزمینم در آینده انسان های موفق در رشته های مختلف خواهند شد. به امید رسیدن همه ی بچه ها به آرزوهای زیبایشان. از مسئولان هم می خواهم برای رسیدن ما به اهدافمان یاری مان کنند و بازوی توانایی برایمان باشند.

محل درس خواندن و آزمایش های من اتاقم در خانه ی خودمان و مادر بزرگم است. ابتداسعی می کنم با هر آنچه در خانه هست آزمایش هایم را انجام دهم، اما اگر نیاز به وسایل خاصی داشته باشم از پدر و مادرم می خواهم در صورت امکان برایم تهیه کنند. جرقه ی فعالیت هایم از علاقه به کسب دانش آغاز شد، البته همه چیز از مدرسه و محیطی که رشد می کنیم و آموزش می بینیم شروع می شود، هرچند انگیزه ای که پدر و مادرم از همان کودکی به من دادند و من را حمایت کردند در این تصمیم بی تأثیر نبوده و نیست. به همین دلیل اول توکل به خداوند را روشن کننده ی راهم می دانم و شاکرم و سپس قدر دان حامیان و همراهان همیشگی ام، مادر و